

جهاد تبیین

ویژه ماه مبارک رمضان ۱۴۰۲ - ۱

گاهنامه سخنرانی

پیام های یک حماسه

(تحلیلی بر مشارکت مردم در انتخابات ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲)



مدیر مسئول:
دکتر یدالله جوانی
سردبیر:
فتح الله پریان
نویسنده:
یعقوب ربیعی

شماره: ۶۱۶
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه
زیر نظر کارشناسان
اداره تحلیل و هدایت سیاسی

چکیده:

- ۱- انتخابات ۱۱ اسفندماه مجلسین خبرگان و شورای اسلامی در فضای جنگ شناختی و رسانه ای که دشمنان خارجی و جریان رادیکال داخلی ایجاد کرده بودند، برگزار شد.
- ۲- این مشارکت در حالی تحقق پیدا کرد که در برخی از تحلیل ها دشمن به واسطه تبلیغات سنگین و پرحجم این گونه القاء کرده بود که حداکثر زیر ۳۰ درصد مردم ایران در انتخابات شرکت خواهند کرد.
- ۳- جامعه خشمگین استراتژی دشمن در مواجهه با ایران است. برای مثال در مقاله‌ای به تاریخ ۱۵ نوامبر سال جاری به قلم ژنرال ژاکوب ناگل (عضو سابق دفتر نخست وزیری اسرائیل) و «مارک دوبوویتز» متخصص حوزه تحریم‌های ایران نوشته بود «باید محصول عملیات روانی (علیه ایران) این باشد که روزبه‌روز بر مردم خشمگین - از دانش‌آموز تا معلم - افزوده شود».
- ۴- بررسی متوسط مشارکت در انتخابات مجلس، آمار ۳۰ درصدی مردها در انتخابات حاضر، مشارکت ۵۲ درصدی در نخستین انتخابات مجلس با وجود شور انقلابی و عدم نظارت های موجود، تفاوت ماهوی نرخ مشارکت در ریاست جمهوری و مجلس و ... نشان می دهد که تحلیل ضدانقلاب بر معرفی کردن عدم مشارکت ۶۰ درصد جامعه در انتخابات به معنای مخالفت و ضدیت با انقلاب کاملاً خطا و اشتباه است.
- ۵- معسرین، منتقدین تاکتیکی، مرددین، آرای هیجانی و ... جزو آرای هستند که در تحلیل انتخابات باید مورد توجه قرار گیرد.
- ۶- صداقت انتخاباتی نظام در این انتخابات تبلور یافت چرا که به راحتی دولت و نظام می توانست با اندکی دستکاری مشارکت را افزایش دهد.
- ۷- با وجود کارشکنی ها و سخت ترین شرایط جنگ شناختی و رسانه ای نظام به یک هسته سخت ۴۱ درصدی با عنوان «آرای غیرتمند» دست یافته است که باید آن را پاس یدارد.
- ۸- پرهیز از بد اخلاقی ها و ایجاد دوقطبی ها، جدی گرفتن تحول، مطالبه گری و تسهیل گری حل مشکلات معیشتی مردم و محوریت دادن به اجرای برنامه هفتم به عنوان دستورالعمل اجرایی مجلس ۴ وظیفه اصلی ای است که بر عهده مجلس دوازدهم گذاشته شده است.

پیام های یک حماسه

(تحلیلی بر مشارکت مردم در انتخابات ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲)

مقدمه

نهاد انتخابات که یکی از مهم ترین ارکان و ابزارهای دموکراسی است با شکل گیری نظام جمهوری اسلامی ایران جان دوباره ای گرفت و مردم این فرصت را به دست آوردند تا سهمی در اداره جامعه و انتخاب مسئولان در سمت های مختلف داشته باشند؛ حضوری که علاوه بر تعیین وکلا و روسا، در عرصه جهانی نیز حائز اهمیت است و ضریب اقتدار نظام را افزایش می دهد. در متن حاضر که با هدف تولید محتوا برای جلسات سیاسی ماه مبارک رمضان تهیه گردیده است به پیام ها و نکات قابل توجه پیرامون مشارکت مردم در انتخابات ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ پرداخته می شود. این معنا کاوی مشارکت مردم به ویژه در شعب و حوزه های انتخاباتی که به دور دوم کشیده شده است از اهمیت بیشتری برخوردار باشد و مردم را برای تکمیل فرآیند مرحله اول به مشارکت ترغیب نماید.

۱- مشارکت در سنگین ترین جنگ توکیبی

انتخابات ۱۱ اسفندماه مجلسین خبرگان و شورای اسلامی در فضای جنگ شناختی و رسانه ای که دشمنان خارجی و جریان رادیکال داخلی ایجاد کرده بودند، برگزار شد. این طیف تلاش کردند تا صندوق رأی را یا از میدان به در کنند و یا از ارزش و قیمت آن بکاهند؛ به گونه ای که مشارکت مردم در انتخابات بی ارزش معرفی شود تا آنان در فرای انتخابات از یک سو با آمار دادن از جمعیتی که در انتخابات شرکت نکرده اند، وزن مخالفان روند اداره کشور را بالا معرفی کنند و از سوی دیگر از مشارکت مردم در نوسازی فضای دو نهاد اساسی نظام بکاهند. حضور بانشاط مردم در دو انتخابات مهم ۱۱ اسفندماه در واقع هم مخالف خوانی و مخالف جلوه دادن ها را به محاق برد و هم دروغ کم اثر بودن مشارکت مردم را بر ملا نمود و هم مانع نوسازی درون نظام را کنار زد. این مشارکت گسترده در واقع این نکته اساسی را به ثبت رساند که توجه مردم و نظام به حل درون ساختاری مشکلات است. یعنی در انتخابات ۱۱ اسفندماه نه تنها به نغمه مخالفان توجه چندانی نگردید بلکه نشان داده شد در داخل سیستم راه حل وجود دارد و کلید آن هم دست مردم است. بر این اساس مردم با شرکت گسترده در انتخابات هم بر ادامه راه نظام تأکید کردند و هم قدرت خویش در حل مسائل را به دنیا نشان دادند.

این مشارکت در حالی تحقق پیدا کرد که در برخی از تحلیل‌ها دشمن به واسطه تبلیغات سنگین و پرحجم این‌گونه القاء کرده بود که حداکثر زیر ۳۰ درصد مردم ایران در انتخابات شرکت خواهند کرد. به عنوان نمونه روزنامه گاردین در روزهای گذشته در گزارشی به قلم «پاتریک ویتور» نوشت: «برآوردها نشان می‌دهد که سه چهارم مردم قصد شرکت در انتخابات را ندارند و تنها ۲۷ درصد به طور قطع قصد انجام این کار را دارند. سه چهارم از شرکت‌کنندگان به دلیل مخالفت با جمهوری اسلامی یا عدم برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه در انتخابات شرکت نمی‌کنند.»^۱ مشارکت ۲۵ میلیونی مشارکت آرمانی و مطلوب نهایی نظام محسوب نمی‌گردد ولی باید در تحلیل این موضوع زمانه و زمینه مشارکت شکل گرفته را مد نظر داشت.

در حفاصل انتخابات دوره یازدهم (سال ۱۳۹۸) و دوره دوازدهم مجلس شورای اسلامی (سال ۱۴۰۲)، ما شاهد اغتشاشات سال ۱۴۰۱ در کشور بودیم. اغتشاشاتی که به واسطه حجم گسترده آن، «جنگ ترکیبی» نام برده شد. یکی از علت‌های اینکه اغتشاشات ۱۴۰۱ با عنوان «جنگ ترکیبی» یا «جنگ هیبریدی» نامیده شد این بود که دشمن به صورت همزمان بر پنج آسیب داخلی متمرکز شده بود؛ گسل جنسیتی، گسل قومیتی، گسل شیعه و سنی، گسل طبقاتی و گسل نسلی.

رسانه‌های فارسی زبان هر چند تلاش دارند تا خود را یک مجموعه خبری تحلیلی بنامند اما در حقیقت بنا به اعتراف اکبر گنجی «وظیفه ما کارمندان بخش پروپاگاندا، آمریکا، انگلیس و اسرائیل، نابودی ایران و ایرانیان است. وظیفه ما وحشت‌افکنی است تا با فروپاشاندن سازمان اجتماعی، مردم را به خشونت جمعی بکشانیم... گمان باطل نکنید که ما مخالف سیاسی یا مدافع حقوق بشر هستیم. ما تشنه مرگ و خون مردم ایرانیم. کاری را که شدیدترین تحریم‌های تاریخ نتوانست انجام دهد.»^۲

در یک نمونه دیگر نشریه نیوزویک سال گذشته در جریان اغتشاشات در گزارشی از پروژه «ایران از درون» که شامل جنگ ترکیبی گسترده با پشتیبانی موساد بود پرده برداشت. بنیاد صهیونیستی دفاع از دموکراسی (FDD) در مقاله‌ای به تاریخ ۱۵ نوامبر سال جاری به قلم ژنرال ژاکوب ناگل (عضو سابق دفتر نخست وزیری اسرائیل) و «مارک دوبوویتز» متخصص حوزه تحریم‌های ایران نوشته بود: «باید محصول عملیات روانی (علیه ایران) این باشد که روزه‌روز بر مردم خشمگین - از دانش‌آموز تا معلم - افزوده شود.»^۳

^۱ - <https://www.mashreghnews.ir/news/۱۵۸۱۰۳۷>

^۲ - <https://www.khabaronline.ir/news/۱۳۶۲۰۳۰>

^۳ - <https://farsnews.ir/news/۱۴۰۱۰۸۲۶۰۰۰۳۱۵>

هر چند نمی توان جنگ ترکیبی دشمن را بی اثر نامید ولی حضور چشمگیر مردم ایران در مناسبت‌هایی از جمله جشن عید غدیر، شب‌های قدر در ماه مبارک رمضان، مراسم‌های عزاداری تاسوعا و عاشورای حسینی، نماز عید سعید فطر، راهپیمایی ۱۳ آبان و راهپیمایی ۲۲ بهمن و ... نشان داد که با وجود تلاش‌های شبانه روزی دشمن، ملت همچنان پایبند به مسائل ارزشی و دینی هستند.

بر این اساس نتیجه ای که می توان گرفت این است که با وجود فضای اعتراضی حاکم بر طیف‌هایی از مردم که منجر به تحریم ۱۰ تا ۱۵ درصدی انتخابات از سال ۹۸ تا ۱۴۰۲ (نسبت به مشارکت ۵۰ تا ۵۵ درصدی معمول در انتخابات‌های مجلس) شده است اما ایده تحریم‌خواهی تبدیل به یک نیروی سیاسی موثر نشده است. جریان اپوزیسیون خارج‌نشین علی‌رغم همه اقدامات و پشتیبانی‌های خارجی در یک سال اخیر نتوانستند فضای اعتراضی را به یک نیروی سیاسی متصل کنند. این نکته واضح است که اگر دشمن پیروز می شد و جریان تحریم موثری در داخل شکل می گرفت و معنای سیاسی پیدا می کرد با توجه به وقایع سال ۱۴۰۱ مشارکت در انتخابات می توانست ۱۰ تا ۱۵ درصد کمتر از سال ۹۸ باشد. لذا یکی از جنبه‌های پیروزی ملت را باید در همین شکست جریان تحریم‌خواهی و جنگ ترکیبی دشمن دانست.

۲- مشارکت از نگاه آماری و پاسخ به ادعای ضدانقلاب

تحلیل نرخ مشارکت حدود ۴۱ درصد از ایرانیان در انتخابات ۱۱ اسفندماه در حالی که بحث داغ این روزهای محافل سیاسی- رسانه‌ای تبدیل شده است که برخی در ادامه رویکردهای ضد‌مشارکتی ماه‌های اخیر، تلاش می کنند عدم حضور حدود ۶۰ درصد از واجدان شرایط رأی‌دادن در انتخابات را به «مخالفت با نظام» تعبیر کنند. طی روزهای اخیر و به دنبال شکست کمپین‌های «تحریم انتخابات» در ۱۱ اسفندماه، جریان‌های معاند با تغییر خط رسانه‌ای خود، این بار رویکرد «مخالف‌نمایی» غایبان در انتخابات را پیگیری می کنند؛ رویکردی که با تناقض‌های قابل توجهی همراه است. این جریان در عین حال که تلاش می کند اینگونه جلوه دهد که حدود ۶۰ درصدی که در انتخابات شرکت نکرده‌اند، «مخالف اصل نظام» هستند، اما همچنان اصرار دارد که آمارهای مربوط به میزان مشارکت در انتخابات غیرواقعی است؛ تناقضی که طرح پرتکرار آن، راهبرد اثرگذاری رسانه‌ای بر افکار عمومی داخل کشور را پیگیری می کند. در چنین شرایطی، راستی‌آزمایی این مغالطه که «۶۰ درصدی که رأی نداده‌اند، مخالف نظام هستند»، نیازمند واکاوی گزاره‌هایی است که در ادامه به بررسی آنها می پردازیم:

۲-۱- بررسی متوسط مشارکت در انتخابات مجلس

یکی از گزاره‌هایی که به منظور ارائه تصویری واقعی از رفتار انتخاباتی مردم در ۱۱ اسفندماه بسیار به کار می آید، بررسی نرخ مشارکت مردم در انتخابات مجلس طی دوره‌های گذشته است. بررسی آمارهای مشارکت در

۱۱ دوره گذشته مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد میزان مشارکت انتخاباتی جامعه نسبت به دوره‌های پیشین، تفاوت معناداری ندارد؛ به‌ویژه نسبت به انتخابات مجلس یازدهم که نرخ مشارکت چیزی در حدود ۴۲ درصد بوده است. میانگین نرخ مشارکت در انتخابات مجلس، آن‌هم بنا به پارامترها و متغیرهای مختلف، همواره در حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد بوده و کاهش این میزان در ۲ دوره گذشته به حدود ۴۰ درصد را نمی‌توان «مخالفت با نظام» تعبیر کرد. این نکته را باید مد نظر داشت که ضدانقلاب تلاش دارد با مغالطه سیاسی این اصل را القا کند که عدم مشارکت در این انتخابات حدود ۶۰ درصد بوده است که این موضوع به معنای نفی ۶۰ درصدی نظام و انقلاب است.

۲-۲- آمار ۳۰ درصدی مردها

خط مخالف‌نمایی همه افرادی که در انتخابات شرکت نکردند در حالی از سوی رسانه‌ها و جریان‌های معاند پیگیری می‌شود که براساس نظرسنجی‌ها، عدم موفقیت کاندیداهای انتخابات در قانع کردن افراد مردد را باید یکی از ناکامی‌های مهم این دوره از انتخابات به حساب آورد؛ موضوعی که در نظرسنجی‌های روزهای پایانی منتهی به ۱۱ اسفندماه نیز قابل مشاهده است. آخرین نظرسنجی انجام‌شده از سوی صداوسیما که یکی از دقیق‌ترین نظرسنجی‌های این دوره انتخابات نیز شناخته شد، نشان می‌دهد ۲۹/۵ درصد از جامعه آماری را مردها تشکیل می‌دهند و تنها حدود ۲۹ درصد اعلام کرده بودند که «قطعا» در انتخابات شرکت نمی‌کنند. در این نظرسنجی ۴۱/۵ درصد اعلام کرده بودند که در انتخابات شرکت می‌کنند؛ آماری که محقق شد و نشان‌دهنده انحراف ناچیز این نظرسنجی است. بنابراین ناکامی کاندیداها برای مجاب کردن مردها به حضور در انتخابات را باید یکی از مهم‌ترین نکات مطرح در نرخ مشارکت این دوره ارزیابی کرد. کارشناسان عدم‌شکل‌گیری دوقطبی‌های انتخاباتی را که همواره نقش مهمی در حضور مردها در پای صندوق‌های رأی داشته‌اند، در کنار تفاوت جنس مشارکت در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری از نکات قابل بررسی در این زمینه می‌دانند. لذا یکی از موضوعاتی که در فضای فکری و سیاسی باید مورد تحلیل قرار گیرد تاکید نامردها بر ارائه برنامه‌های مثبت برای برون رفت از معضلات فعلی است.

۲-۳- مشارکت ۵۲ درصدی در نخستین انتخابات مجلس

جریان‌های رسانه‌ای و سیاسی ضدایرانی در حالی تلاش می‌کنند عدم حضور حدود ۶۰ درصد رای‌دهندگان در انتخابات را به «مخالفت با نظام» تعبیر کنند که بررسی روندهای انتخاباتی طی بیش از ۴ دهه گذشته از عمر جمهوری اسلامی، خلاف چنین ادعایی را نشان می‌دهد. نگاهی به میزان مشارکت در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی نشان‌دهنده آمارهای معناداری است که نقض‌کننده ادعاهای بدون استناد است. در

۲۴ اسفندماه ۱۳۵۸ نخستین انتخابات مجلس شورای اسلامی با نرخ مشارکتی در حدود ۵۲ درصد برگزار شد. این میزان مشارکت در شرایطی رقم خورد که در نخستین روزهای همان سال، یعنی در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸، نظام جمهوری اسلامی ایران با بیش از ۹۸ درصد آرا به تصویب مردم رسید و در واقع جامعه به جمهوری اسلامی رأی «آری» داد. علاوه بر این، نرخ ۵۲ درصدی مشارکت در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی در شرایطی رقم خورد که همه کارشناسان متفق القول، آن دوره را رقابتی‌ترین دوره انتخابات ارزیابی می‌کنند که با حضور همه جریان‌ها و گرایش‌های سیاسی رقم خورد و از حزب توده گرفته تا جبهه ملی و گروهک منافقین در آن کاندیدا داشتند.

۲-۴- تفاوت ماهوی نرخ مشارکت

یکی دیگر از نکاتی که در تحلیل‌های آماری نرخ مشارکت در انتخابات ۱۱ اسفندماه مورد غفلت قرار می‌گیرد، تفاوت رویکردها در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و همچنین شوراهای اسلامی شهر و روستا با انتخابات ریاست جمهوری است و اساساً مقایسه آنها با یکدیگر، قیاس مع الفارق است که راه به خطا می‌برد. برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد حداکثر میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری که در سال ۱۳۸۸ رقم خورد حدود ۸۵ درصد بوده و در مقابل، حداکثر میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۴ (مجلس پنجم) با نرخ حدود ۷۱ درصد رقم خورده است. مقایسه حداکثر نرخ مشارکت در این دوره از انتخابات نشان‌دهنده چیزی در حدود ۱۵ درصد است که نشان‌دهنده تفاوت رویکردهای جامعه به این انتخابات است؛ رویکردی که در سایر انتخابات، مانند شوراها و مجلس خبرگان نیز قابل مشاهده است. از سوی دیگر متوسط نرخ مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری چیزی در حدود ۶۶.۶ درصد است؛ آماری که در انتخابات مجلس به حدود ۵۷.۳ درصد می‌رسد. چنین آمارهایی نشان‌دهنده تفاوت‌های ماهوی انواع انتخابات در ایران است و شاخص‌هایی مانند ایجاد دو قطبی‌های رقابتی و... در میزان مشارکت مردم در انتخابات تأثیر محوری دارد. بنابراین اساساً میانگین میزان مشارکت در انتخابات مجلس، پایین‌تر از انتخابات ریاست جمهوری است و ربط دادن آن به «مخالفت با نظام» آدرس غلط دادن دشمنان ایران و معاندان به حساب می‌آید.

۳- سنخ‌شناسی عدم مشارکت

بر اساس آنچه گفته شد معیار مقایسه نرخ مشارکت با متوسط مشارکت است؛ نه عدد ۱۰۰. متوسط نرخ مشارکت در مجلس طی ۱۱ دوره گذشته ۵۷ درصد است. جهت اطلاع متوسط نرخ مشارکت در اتحادیه اروپا ۵۰ درصد و در آمریکا زیر ۵۰ درصد است. تفاوت نرخ مشارکت در انتخابات‌ها نیز به شرایط سیاسی و اجتماعی

وقت مرتبط است و اساسا از عدم مشارکت هیچ وقت درصد مخالفان نظام تبیین نمی گردد برای گشودن گره تحلیلی و نفی این انگاره که هرکس رای نداد ضدانقلاب نیست باید افراد حاضر نشده پای صندوق رای را دسته بندی نمود تا بتوان تحلیل منسجم تری ارائه نمود:

الف: معسومین: بخشی به هر دلیل ناتوان از حضورند. بخشی از جامعه به این طیف مربوط است که بنا به دلایل شغلی، جسمی و ... امکان حضور در پای صندوق را ندارد.

ب. منتقدین تاکتیکی: بخشی آرای معترض اما اصلاح گرند؛ آرای که نظام را قبول دارند، اما به خطا معتقدند قهر بیشتر از رای جواب می دهد. این طیف اشکالشان ماهوی نیست بلکه نقد شکلی دارد. بزرگنمایی فسادها، ناکارآمد نشان دادن مجلس فعلی، موضوعات حاشیه ای پدید آمده در مجلس، مباحث موجود پیرامون دولت سیزدهم و ... بر این طیف تاثیرگذار بوده است.

ج. آرای هیجانی: دسته سوم از آرای موجود در انتخابات را باید آرای هیجانی نامید. این طیف با اینکه ضدانقلاب و مخالف نظام تلقی نمی گردد ولی به علت زیست خاص خود یا جدایی از فضای انتخابات، معمولا پای صندوق نمی آید. این طیف در فضای هیجانی پدید آمده از دو قطبی ها تمایل به حضور پای صندوق پیدا می کند. برای مثال بالاترین نرخ مشارکت در سال ۸۸ و برای انتخابات دو قطبی احمدی نژاد - موسوی است؛ با نرخ مشارکت ۸۵ درصد. فاصله این عدد با نرخ ۶۶ درصدی متوسط مشارکت ریاست جمهوری، ۱۹ درصد سهم آرای است که در شرایط دو قطبی در سال ۸۸ احیا شد. این سؤال در مواجهه با انگاره القا شده پدید می آید که آیا آرای که در شرایط هیجانی زنده می شود، ضدانقلاب است؟ قطعاً پاسخ سؤال پیش رو خیر می باشد.

د. مرددین: دسته دیگر آرای مردد حاضر در انتخابات است که ممکن است با آرای هیجانی در دو قطبی ها همپوشانی داشته باشد و به هر دلیل به جمع بندی نمی رسد که در انتخابات شرکت کند. این آرا در انتخابات اخیر حدود ۲۹ درصد برآورد شده است. برای مثال نظرسنجی ایسپا که مشارکت را چند روز پیش از ۱۱ اسفندماه ۴۱ درصد پیش بینی کرده بود این ۲۹ درصد را تأیید می نماید. نظرسنجی صداوسیما نرخ مرددین را ۲۹/۵ درصد اعلام کرده بود. بر این اساس نکته ای که باید مد نظر قرار گیرد این است که نباید اجازه داد طیف مردد به نفع ضدانقلاب مصادره گردد.

۴- جهاد تبیین و اخلاق سیاسی دو بال مشارکت سازی

اگر بخواهیم به لایه های عمیق در انتخابات ۱۴۰۲ وارد شویم با دو پدیده در این انتخابات مواجهیم که بر سطح مشارکت تاثیرگذار است:

الف. نکته اول اینکه خدمات دولت و مجلس با همه تلاش هایی که داشتند هنوز به صورت محسوس در زندگی مردم احساس نشده است و این سؤال پیش از ۱۱ اسفندماه در بخشی از جامعه مطرح می گردید که

رای‌های قبلی ما چه اثری داشت که این بار مجدد رأی دهیم؟ بخش سلبی و بیرونی که موجب پدید آمدن چنین انگاره ای شده است جنگ ترکیبی و رسانه ای دشمن است؛ اما بخش مهمی به درون نظام و پیوست رسانه ای و قدرت اقناع‌گری از سوی مجلس و دولت برمی‌گردد که باید جدی گرفته شود.

ب. و اما دلیل دوم این است که برخی بداخلاقی‌ها در رقابت‌های ایام انتخابات باعث شد که اساساً بخشی از جامعه پذیرای ضرورت مشارکت نباشد. انتخابات ۱۴۰۲ نشان داد که تهمت‌زدن‌ها، بی‌آبرو کردن‌ها، دروغ گفتن‌ها و مجادلات پیاپی می‌تواند مشارکت‌سوز و کاهنده بدنه اجتماعی باشد. لذا یکی از اصولی که در مجلس فعلی و در رفتار سیاسی باید مد نظر قرار گیرد پرهیز از بداخلاقی سیاسی است.

۵- صداقت انتخاباتی نظام

انتخابات ۱۴۰۲ یک پیام دیگر هم داشت و آن هم صداقت انتخاباتی نظام بود. هرچند جریان رادیکال داخلی در هم‌آوایی با رسانه‌های معاند همواره ناکامی خود در انتخابات را گردن نظام می‌اندازد؛ اما نتیجه انتخابات مجلس دوازدهم بار دیگر صداقت انتخاباتی نظام را به رخ متقلبان انتخاباتی کشید که برای فرار از شکست حاضر شدند. نظام را تا لبه پرتگاه ببرند و با دروغ تقلب، دموکراسی را زیر پا بگذارند. اعلام میزان رأی متخیان، میزان مشارکت و آرای باطله ثابت کرد که شفافیت در دستگاه‌های انتخاباتی نظام حاکم است و به هیچ‌وجه حتی در موقعیت‌های حساس، حق‌الناس را زیر پا نمی‌گذارد و آمارها را جابه‌جا نمی‌کند.

موضوعی که در انتخابات ۹۲ و در رقابت قالیباف و روحانی هم توسط تحلیلگران مورد توجه قرار گرفت که در آن انتخابات هم می‌شد با چند رأی، انتخابات را به مرحله دوم کشاند؛ اما نظام، عدالت انتخاباتی را زیر پا نمی‌گذارد و بر رعایت حق‌الناس اصرار دارد.

در این انتخابات هر چند تا مشارکت سال ۱۳۹۸ میزان کمی فاصله بود و می‌شد با کمی دستکاری عدد مشارکت را ارتقا داد ولی نظام تلاش کرد و اهتمام داشت که بنا را بر اصل «الْأَنْجَاتُ فِي الصِّدْقِ» گذاشته و با صداقت پیشگی با جامعه ارتباط برقرار نماید و سخن بگوید.

۶- آرای غیرتمند را جدی بگیریم

هر چند آسیب‌شناسی عدم مشارکت برخی از اعضای جامعه برای انتخابات های پیش رو امری لازم و ضروری است اما نکته ای که نباید از آن غافل شد که با این شرایط و با وجود جنگ ترکیبی، اقتصادی، رسانه ای و ...، آرای ۴۱ درصدی، آرای غیرتمند و پر قدرت محسوب می‌شود و دژ مستحکم انقلاب اسلامی را شکل می‌دهد و می‌تواند در آینده موتور محرکه و شتاب‌دهنده رشد مشارکت در کشور باشد.

این موضوع در سه انتخابات گذشته تکرار شده است و می‌تواند واقعیت فرض گردد. این بخش از جامعه را باید جدی گرفت و در کمک گرفتن از این طیف جهت تقویت بدنه مشارکت کوشید.

۷- پیام‌های سیاسی انتخابات

انتخابات ۱۱ اسفندماه در فرامتن خود پیام‌های سیاسی برای داخلی‌ها نیز داشت که می‌توان بخشی از آن را این گونه برشمرد:

۷-۱- رقابت را جدی بگیریم: بررسی صحنه انتخابات نشان می‌دهد که در حوزه‌هایی که رقابت جدی وجود داشته است مشارکت نیز ارتقا یافته است. ارزیابی جامعه کاملاً سیال و براساس تغییرات است که این موضوع از جهات مختلفی قابل تامل به نظر می‌رسد. بر این اساس وقتی جامعه احساس کرد که انتخابات رقابتی را می‌تواند برگزار کند، تمایلات مختلف به صحنه می‌آید.

این موضوع به معنای نفی ساختارهای نظارتی مانند شورای نگهبان آن گونه که طیف رادیکال معتقد است نمی‌باشد بلکه پاسخ به این سؤال است که عوامل کاهنده رقابت چه هستند؟ و چگونه می‌توان موجب شکل‌گیری رقابت و مشارکت شد؟ پاسخ چند بعدی به این طرح مسئله می‌تواند راهگشای مشارکت در انتخابات‌های پیش رو باشد.

۷-۲- صندوق یا خیابان؟: نکته اول در مواجهه با یازده اسفندماه این است که برخلاف القای جریان رادیکال که ایجاد بلوا و جنبش‌های از پایین به بالا را مسیر برون رفت می‌دانند اما جامعه همچنان صندوق رای را بهترین، گویاترین و رساترین شیوه بیان مسأله خود می‌بینند که این نشانه رشدیافتگی جدی است. انتخابات مجلس دوازدهم، ظرفیت‌های دموکراتیک سیستم سیاسی در ایران را آشکار کرد، به گونه‌ای که حالا حتی رسانه‌های معاند نیز یا نظر به اخبار رسمی انتخابات، به تحلیل وزن‌کشی سیاسی در کشور می‌پردازند.

این ظرفیت دموکراتیک، این شائبه که مسیر تغییر در داخل کشور مسدود است را باطل کرد و تنوع بالای منتخبان مجلس نشان داد که با دموکراسی و از طریق صندوق‌های رأی می‌توان تغییراتی جدی ایجاد کرد. حضور این چینی مردم یک پیام روشن به کسانی دارد که فکر می‌کنند اگر راهی را برخلاف عقلانیت سیاسی در پیش بگیرند، مردم هم به دنبال آنها می‌روند در حالی که چنین برداشتی اساساً اشتباه است.

۷-۳- بازگشت سیاسیون به مشارکت: یکی از مواردی که در انتخابات‌های اخیر خصوصاً انتخابات ۱۱ اسفندماه شاهد آن بودیم پیوند و هم‌افزایی رایکالیسم داخلی با جریان برانداز خارجی بود.

مشارکت مردم برخلاف محاسبات ذهنی این طیف بود. از سویی جریان مشارکت جوی موجود در داخل این نگاه را در مقابل طیف رادیکال تقویت کرد که راه سیاسی بازگشت به مشارکت است.

حضور مردم برخلاف محاسبات غلط رادیکالیست های داخلی و تمرد جریان مشارکت جو از یوغ طیف رادیکال در آینده می تواند به عقلانیت سیاسیون داخلی بینجامد که زاهدکار حل مسائل کشور نه از دل تحریم بلکه از دل مشارکت بیرون می آید.

۸- ماموریت های مجلس دوازدهم

شروع هر مجلس با مطالبات و ماموریت های جدیدی شکل می گیرد؛ به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب در دیدار پنج شنبه ۱۷ اسفندماه فرمودند: «درباره ی مجلس شورا هم یک جمله ای عرض کنم. خب هر مجلس جدیدی حامل امید جدیدی و امیدهای جدیدی است. وقتی یک مجلس تازه ای تشکیل میشود، امیدهای تازه ای هم با آن مجلس مطرح میشود و چشم اندازهای جدیدی را میتوانند پیدا کنند. نمایندگان تازه ای در مجلس جدید وارد میشوند، در کنار آنها نمایندگان مجربیی هم از دوره ی قبل یا دوره های قبل هستند؛ این یک ترکیب خیلی خوبی است، مجموعه ی خیلی خوبی است؛ هم ابتکار در آن هست، هم نوآوری در آن هست، هم تجربه در آن هست؛ از تجربه های موفق قبلی استفاده میکنند؛ ابتکارات جدید هم می آید. خب این یک سرمایه ی باارزشی است. تشکیل هر مجلس جدیدی، برای کشور یک سرمایه ی باارزش و مورد استفاده است؛ باید این را قدر دانست. مثل یک خوبی است که در رگهای مجموعه ی سیاسی و اجتماعی کشور جاری میشود و ان شاء الله اثر میکند.»^۴ برای اینکه اثرات مثبت مجلس جدید دیده شود الزمات رویکردی ای وجود دارد که بخشی از آن موارد ذیل می باشند:

۸-۱- **بد اخلاقی ممنوع:** ورود برخی نمایندگان و پرداختن آن ها به مسائل حاشیه ای، برخی کارشناسان را بر آن داشته است که این ذهنیت را مطرح کنند که در آینده ممکن است شاهد تصاعد بد اخلاقی ها باشیم. بر همین اساس رهبر معظم انقلاب مجلس را از بد اخلاقی تحذیر داده و در دیدار اخیرشان فرمودند: «آن چیزی که میتواند شیرینی مجلس جدید را نابود کند، سخنان اختلاف انگیز و دعوا راه انداختن ها و ستیزه گری های دشمن پسند است؛ شیرینی مجلس جدید را این جور چیزها از بین میبرد. باید خیلی مراقبت کرد؛ باید خیلی مراقبت کرد. برادران و خواهران در مجلس جدیدی که حالا اندکی بعد تشکیل خواهد شد و حضور دارند، بایستی مراقبت کنند که نگذارند شیرینی تشکیل مجلس جدید از بین برود و کامها تلخ بشود. اگر چنانچه این مراعات را نکنند، اولین اثرش این است که کام ملت تلخ میشود، فضای سیاسی کشور، فضای تلخی میشود؛ در حالی که فضای سیاسی با انتخابات و تشکیل مجلس جدید و آمدن افراد جدید و مانند اینها قهراً یک باطراوتی است، این از بین میرود؛ اولین اثرش این است.»^۵

۴- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴۰۲/۱۲/۱۷.

۵- همان.

۲-۸- **جدی گرفتن تحول:** مجلس دوازدهم که از اواسط خرداد آغاز به کار خواهد کرد، مأموریت‌های ویژه‌ای داشته و موضوعات مهمی را باید در دستور کار خود قرار دهد. اگرچه نتایج حدود ۱۵ درصد از کرسی‌های مجلس هنوز تعیین تکلیف نشده‌اند اما مهم‌ترین موضوع برای نمایندگان بعدی، حول مفهوم تحول می‌چرخد. تغییر ریل در این انتخابات، وجود آرای سفید بالا، شکسته شدن برخی چارچوب‌های سابق، تخریب‌های بی‌سابقه، اهمیت یافتن شبکه‌های اجتماعی و... همگی نشان از لزوم تحول دارد. مردم با حضور خود پای صندوق‌ها نشان دادند که پای نظام ایستادند اما دلخوار از برخی مشکلات موجود هستند. لذا اصلی‌ترین رویکرد مجلس آینده باید پیش گرفتن رویکرد تحول در مجلس با هدف اصلاح روندهای اشتباه و اشکالات موجود باشد. توجه به تصحیح برخی ساختارهای اداری و سابق مانند سربازی، شوراهای عالی، ساختار بودجه و... باید ذیل مسئله تحول مورد توجه قرار گیرد و تصحیح شود. برخی از این مسائل در مجلس یازدهم مورد توجه واقع شده اما هنوز تکمیل نشده است. موضوع بودجه یکی از کلان مسئله‌های نظام است که با وجود تأکیدات چندین باره رهبر معظم انقلاب در همه دولت‌ها و مجالس - آن گونه که بایسته و شایسته است - مورد توجه قرار نگرفته است.

۳-۸- **حل مشکلات معیشتی مردم:** نکته دیگر در انتخابات ۱۱ اسفندماه مجلسین خبرگان و شورای اسلامی این است که رفع مشکلات معیشتی مردم در کانون توجه مشترک مردم و نظام سیاسی قرار گرفت. رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود فرمودند: «انتخابات تنها مسیر صحیح و حقیقی است که می‌تواند حاکمیت ملی مردم را تأمین کند.» کما اینکه در برخی نظرسنجی‌های ایام انتخابات با این مسئله مواجه بودیم که ۸۶ درصد مردم مسئله اول خود را مشکلات معیشتی برشمرده بودند. به عبارت دیگر، یکی از مقدمات تشکیل مجلس شورای اسلامی آینده با شاخص «رفع مشکلات معیشتی مردم» همراه شده است. بنابراین به‌طور قطع باید رفع مشکلات اقتصادی مردم سرلوحه مجلس شورای اسلامی باشد. اینک مجلس جدید در چنین فضائی - یعنی مطالبه مشترک نظام و مردم در حوزه معیشت - شکل گرفته است. رسیدگی به این مطالبه کار آسانی هم نیست اما ناممکن و دور از دسترس هم نیست. کشوری که در عرصه‌های مختلف به موقعیت‌های بالارسیده و رهبری از نزدیک شدن به قله‌ها فرموده‌اند، در عرصه معیشت مردم از موقعیت‌ها و امکانات فراوانی برخوردار است.

۴-۸- **برنامه هفتم دستورالعمل اجرایی مجلس:** یکی از مهم‌ترین وظایف مجلس دوازدهم پیگیری برنامه هفتم است. یکی از آسیب‌های احتمالی پیش روی مجلس جدید، عدم اجرای این برنامه مانند برنامه‌های پنجم و ششم بسیار جدی است. به ویژه آن که اکثریت نمایندگان مجلس دوازدهم نسبت به یازدهم تغییر کرده و ممکن است نمایندگان جدید، حاضر به پیگیری جدی برنامه تصویب شده در مجلس قبلی نباشند. برنامه هفتم برای بخش اعظمی از مسائل جاری و ظرفیت‌های مغفول کشور، برنامه واقعی و روی زمین دارد. لذا اجرای صحیح آن به نفع جریان تحول خواهد بود و مسائل کشور را حل خواهد کرد. البته قطعاً مجلس مجری نیست و نباید در

اجرا دخالت داشته باشد اما طبق قانون اساسی ناظر است و باید با نظارت دقیق و مطالبه‌گرانه و استفاده معقول از ابزارهای قانونی خود، ساختارهای اجرایی کشور را به سمت حرکت فعالانه، سوق دهد.

نتیجه‌گیری:

متن حاضر بر سه اصل استوار است. اصل اول اینکه مشارکت حاضر مشارکت آرمانی و مطلوب نظام و انقلاب نبوده است؛ اما باید آن را در زمانه و زمینه آن تحلیل و تبیین نمود. این مشارکت در سنگین‌ترین جنگ اقتصادی، شناختی و رسانه‌ای علیه نظام شکل گرفت. اصل دوم این است که باید پس از انتخابات و فروکش کردن تب و تاب رقابت‌ها و هیجانات نکات مثبت و آسیب‌های موجود در آن احصاء و جهت رفع مشکلات و آسیب‌ها و تقویت نقاط قوت‌ها تلاش نمود. اصل سوم بر پاسداشت این مشارکت و وظیفه مجلس جدید در رفع نقصان‌هاست. بی‌شک مجلس جدید رسالت عظیمی به گردن دارد و باید تلاش کند تا اشکالات موجودی که باعث گلابه‌ها و ناراحتی‌ها در بخشی از اقشار جامعه شده است رفع گردد.